



پیام صریح قم؛ بارهبری هماهنگ باشید

کمترسفر استانی یک رئیس جمهور تا این اندازه ظرفیت تحلیل سیاسی پیدا می کند، اما سفر اخیر مسعود پزشکیان به قم که بلافاصله پس از بیانیه درخشان اعضای خبرگان رهبری مبنی بر تبعیت از رهبر انقلاب انجام گرفت از همان جنس سفرهایی بود که باید فراتر از تصاویر یادگاری و تیتراهای رسمی به آن نگاه کرد. مجموعه دیدارهای رئیس جمهور با مراجع تقلید، اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و علما، حامل پیام هایی بود که هر کدام می تواند در ترسیم نسبت آینده دولت با نیروهای انقلاب، سیاست خارجی، اقتصاد و حتی نحوه مدیریت افکار عمومی مؤثر باشد.

۲



تمجید متقابل

محمدباقر
قالیباف: در آمریکا
اختلاف هست،
روبیو یک طور
پیگیری می کند،
ونس به نحو دیگر

ونس: ما شاهد شور
واشتیاق زیادی در
میان افرادی در نظام
ایران هستیم که به
دنبال گشودن صفحه
جدیدی هستند



توجیهات بدتر از گناه

۳

تقدیر ویژه از چهار برنامه انقلابی

۸



ساده، مثل آقای شهید

سعید مصباح
روزنامه نگار

در سالیان اخیر، دیوارنگاره میدان ولیعصر (عج) تصاویر و طرح های ماندگار کم نداشته است؛ از حوادث ملی و مذهبی گرفته تا رخداد های سیاسی و بین المللی. اما اگر قرار باشد از میان همه این آثار، یکی را تأثیرگذار تر و عمیق تر بدانیم، بی تردید «آخرین دیدار» در میان برجسته ترین آنها قرار می گیرد. اثری که نه با شلوغی و اغراق، بلکه با سکوت و سادگی، مخاطب را میخکوب می کند و درست به همین دلیل، بیش از بسیاری از طرح های پر جزئیات در ذهن می ماند.

متن کامل در صفحه ۶

صفحه ۴

بین الملل

هدف از تفاهم با ایران پر کردن ذخایر نفت بود

جی دی وونس معاون رئیس جمهور آمریکا در اعترافی مهم در خصوص علت آتش بس آمریکا با ایران گفت: به ما گفته است از این تفاهم نامه استفاده کنیم تا به نوعی ذخایر (یا موجودی ها) نفت را دوباره پر کنیم و بعد ببینیم اوضاع به کجا می رسد.

صفحه ۴

اقتصادی

پشت پرده اختلال بانکی

یک پژوهشگر فناوری با اشاره به اختلال طولانی در خدمات چهار بانک کشور تأکید کرد که نمی توان این وضعیت را صرفاً نتیجه یک حمله سایبری دانست. به گفته او، تداوم بیش از دو هفته ای این اختلال نشانه ضعف در مدیریت است.

در جریان سفر پزشک‌یکان به قم، مراجع عظام و فضلالی حوزه علمیه هشدارهای صریحی درباره هماهنگی با رهبری، مذاکرات و معیشت بیان کردند

پیام صریح قم؛ با رهبری هماهنگ باشید

سیاست خارجی، اقتصاد و حتی نحوه مدیریت افکار عمومی مؤثر باشد، اگر روایت رسمی دولت بیشتر برسرخان رئیس‌جمهور متمرکز بود، مرور محتوای کامل این دیدارها نشان می‌دهد تأکیدهای مکرر علما بر معیشت مردم، حفظ اقتدار ملی، پرهیز از ارسال پیام ضعف، توجه به دغدغه‌های رهبر انقلاب و ضرورت وحدت حول محور ولایت، بخش مهمی از پیام این سفر را تشکیل می‌داد؛ پیام‌هایی که از نگاه برخی ناظران، به اندازه کافی در بازتاب‌های رسانه‌ای برجسته نشد.

کمتر سفر استانی یک رئیس‌جمهور تا این اندازه ظرفیت تحلیل سیاسی پیدا می‌کند، اما سفر اخیر مسعود پزشک‌یکان به قم که بلافاصله پس از بیانیه درخشان اعضای خبرگان رهبری مبنی بر تبعیت از رهبر انقلاب انجام گرفت از همان جنس سفرهایی بود که باید فراتر از تصاویر یادگاری و تیتراهای رسمی به آن نگاه کرد. مجموعه دیدارهای رئیس‌جمهور با مراجع تقلید، اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و علما، حامل پیام‌هایی بود که هر کدام می‌تواند در ترسیم نسبت آینده دولت با نیروهای انقلاب،



جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

مشخص در حوزه اقتصاد، فرهنگ، امنیت و سیاست خارجی را در برمی‌گرفت. اگرچه رسانه‌های نزدیک به دولت اصل برگزاری این دیدار را پوشش دادند، اما تمرکز بیشتر برسرخان رئیس‌جمهور باعث شد بخشی از این توصیه‌ها و انتقادها که مشخصاً مربوط به تردید در تبعیت از رهبری بود کمتر در مرکز توجه افکار عمومی قرار گیرد.

پیام مشترک مراجع؛ رهبری، معیشت و اقتدار شاید مهم‌ترین وجه اشتراک دیدارهای رئیس‌جمهور با مراجع تقلید، تکرار چند کلیدواژه باشد؛ «رهبری»، «اقتدار» و «معیشت». آیت‌الله‌فوری همدانی با تأکید بر اینکه سخن رهبر انقلاب فصل الخطاب است، حفظ وحدت حول محور ولایت را لازمه تداوم مسیر انقلاب دانست و بر تقویت نیروهای مسلح و توجه دائمی به بدعهدی دشمن تأکید کرد.

آیت‌الله‌کارم شیرازی نیز ضمن تأکید بر ضرورت حفظ اقتدار در برابر دشمنان، خاطرنشان کرد هرچه هماهنگی میان دولت و رهبری بیشتر باشد، آرامش و امید بیشتری در جامعه شکل خواهد گرفت. وی همچنین کنترل بازار، جلوگیری از فشار اقتصادی بر مردم و رسیدگی به مشکلات معیشتی را از مهم‌ترین اولویت‌های دولت برشمرد.

آیت‌الله‌سبحانی نیز با تأکید بر مدیریت بازار و جلوگیری از افزایش قیمت کالاهای اساسی، معیشت مردم را مهم‌ترین مسئولیت دولت دانست و خواستار حساسیت بیشتر نسبت به وضعیت اقتصادی اقشار مختلف جامعه شد. تکرار این مضامین در دیدارهای مختلف، نشان می‌دهد که دغدغه اصلی مراجع، بیش از هر چیز، تبعیت از رهبری، حفظ انسجام داخلی، هماهنگی میان ارکان نظام، تقویت اقتدار ملی و کاهش فشار اقتصادی بر مردم است. به همین دلیل، سفر قم را نمی‌توان صرفاً مجموعه‌ای از دیدارهای تشریفاتی دانست؛ بلکه سفری که در دل خود مجموعه‌ای از توصیه‌ها و هشدارهای راهبردی برای دولت داشت؛ توصیه‌هایی که میزان توجه دولت به آنها، می‌تواند در ماه‌های آینده یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی عملکرد آن باشد و همچنین زنگ بیدارباش برای کسانی باشد که حمایت از دولت را بدون هیچ خط قرمزی دنبال می‌کنند.

دولت باید به گونه‌ای روایت شود که شائبه امتیاز دادن یا گلابه از انجام یک مسئولیت حاکمیتی را به ذهن متبادر کند؟ لازم به ذکر است که پیش‌تر، برخی از بدنه جریان انقلاب عدم بیان صحیح رئیس‌جمهور و اتخاذ مواضع عجیب او را به عدم اشراف، آشنای و سادگی رئیس‌جمهور نسبت می‌دادند و به همین بهانه ذیل پروژه وفاق در صدد یاری به دولت برآمدند. اینک و پس از این اظهارات، عدم آشنایی رئیس‌جمهور به اقتضائات جایگاه ریاست جمهوری محل تردید است و لزوم بازنگری در رویکرد این بخش از نیروهایی که خود را انقلابی قلمداد می‌کنند احساس می‌شود.

جامعه مدرسین؛ مهم‌تر از چیزی که گزارش شد

اگر دیدار رئیس‌جمهور با جامعه مدرسین را صرفاً از دریچه سخنان پزشک‌یکان ببینیم، تصویر ناقصی از این نشست به دست خواهد آمد. اهمیت اصلی این جلسه، در مجموعه نکاتی بود که اعضای جامعه مدرسین خطاب به رئیس‌جمهور مطرح کردند؛ نکاتی که نشان می‌دهد نگرانی‌های حوزه علمیه تنها به مذاکرات یا سیاست خارجی محدود نیست.

اعضای جامعه مدرسین بر اهمیت توکل به خدا همراه با تدبیر و برنامه‌ریزی، توجه به دغدغه‌های رهبر انقلاب، ضرورت ایستادگی در برابر دشمن، حفظ اقتدار ملی، اقناع افکار عمومی در تصمیمات مهم، رسیدگی فوری به مشکلات معیشتی مردم، تبیین بیشتر روند مذاکرات، انتقاد از نقض برخی بندهای تفاهم‌نامه ایران و آمریکا، توجه به مسائل فرهنگی از جمله بی‌حجابی و همچنین ضرورت طراحی یک روایت رسانه‌ای منسجم در شرایط جنگ تأکید کردند.

در این جلسه آیت‌الله‌سید هاشم حسینی بوشهری خطاب به رئیس‌جمهور فرمودند: رمز موفقیت شما همدلی، همدراهی و پیروی آگاهانه از فرامین رهبر عزیزمان حضرت آیت‌الله‌عبدجبار خاмене‌ای (مدظله‌العالی) است. هر دولتی که با ولایت همدل باشد و مسیری را که رهبری تعیین کرده‌اند بپیماید، موفق می‌شود.

تکرار این محورها نشان می‌دهد دغدغه‌های مطرح‌شده در این جلسه، صرفاً توصیه‌های کلی نبوده، بلکه مجموعه‌ای از مطالبات

از دیگر حواشی سفر ناگهانی رئیس هیئت دولت به قم، امتناع از دیدار با رئیس‌جمهور می‌باشد که توسط خبرهای سفارشی تیم رسانه‌ای دولت گم شد. حرکتی که در نوع خود اقدامی بی‌سابقه در تاریخ سفرهای استانی روسای جمهور محسوب می‌شود که عمق اختلافات و نارضایتی از عملکرد دولت مستقر در بین نمایندگان استان را نشان می‌دهد.

از «وفاق» تا ادبیات تهاجمی و نیش‌دار یکی از مهم‌ترین محورهای سفر قم، دفاع دوباره رئیس‌جمهور از سیاست‌های اقتصادی دولت بود. پزشک‌یکان با تأکید بر لزوم اصلاح ساختارها، از تصمیمات اقتصادی دولت دفاع کرد و آنها را لازمه عبور کشور از مشکلات دانست. با این حال، بر کسی پوشیده نیست که بخش قابل توجهی از این سیاست‌ها تاکنون فشار بیشتری بر معیشت مردم وارد کرده و هنوز نشانه روشنی از بهبود پایدار در سفره خانوار دیده نمی‌شود و حتی می‌توان پا را فراتر گذاشت و این سیاست‌های اقتصادی را مقدمه تجاوز به ایران دانست. از همین رو، این پرسش همچنان مطرح است که آیا هزینه اجتماعی این اصلاحات با دستاوردهای آن تناسب دارد یا خیر.

بخش دیگری از سخنان رئیس‌جمهور به مخالفان روند تفاهم ایران و آمریکا اختصاص داشت. پزشک‌یکان با اشاره به وجود مخالفانی در داخل و خارج کشور، از جریان‌هایی سخن گفت که به اعتقاد او با این مسیر همراه نیستند. پزشک‌یکان همچنین این منتقدان را با رسانه‌های معاند همسو دانست. این نوع ادبیات، شباهت‌هایی با فضای سیاسی سال‌های ریاست دولت حسن روحانی دارد؛ فضایی که در آن، مخالفت با برخی سیاست‌های خارجی دولت، گاه به همسویی با منافع دشمنان خارجی و خصوصاً اسرائیل تعبیر می‌شد.

در روزهای اخیر، همچنین شاهد تغییر لحن برخی اعضای دولت من جمله رئیس‌جمهور و جعفر قائم‌پناه، معاون او بوده‌ایم. آنچه از این قسم اظهارات استنباط می‌شود رویکرد آشکار تهاجمی و پرخاشگراییانه دولت پس از بیانیه راهبری رهبر انقلاب است. این تحلیل پس از برخی اظهارنظرهای اخیر دولتمردان و نیز سخنان رئیس‌جمهور درباره نحوه حمایت از مجموعه هوافضای سپاه و اظهارات توهین‌آمیز جعفر قائم‌پناه مبنی بر عدم التزام به تبعیت از رهبری پررنگ‌تر شد. اگرچه دولت این سخنان را گزارشی از عملکرد خود می‌داند، اما منتقدان معتقدند نحوه بیان آن، این پرسش را ایجاد می‌کند که آیا انجام وظایف قانونی

خبر کوتاه

پیام جامعه مدرسین در آستانه مراسم بدرقه آقای شهید ایران

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با صدور پیامی شرکت در مراسم بدرقه آقای شهید ایران را موجب نورانی شدن دل‌ها، تسلی قلوب و کسب هدایت معنوی دانست. در بخش‌هایی از این پیام آمده است: ملتی که در مسیر رهروی آن «امام شهید» روئیده و در آغوش شاخه‌های بلند او به آرامش رسیده، قدرت خلق حماسه‌ها دارد و آیین تشییع قائد عظیم الشان امت، بی‌شک در تاریخ بشریت ثبت خواهد شد و هیچ زبانی قدرت انکار آن را نخواهد داشت. این شاخه‌ها این امت مؤمن و مجاهد در مسیر گرانقدری که آن شهید عزیز ترسیم کرده است، راه اعتلای اسلام و انقلاب اسلامی و عزت و استقلال کشور را همچنان استوار بپیماید و به دعای خاص حضرت حجت (عجل‌الله‌تعالی فرجه الشریف) برای غلبه قاطع بر دشمنان، همچنان معجزه‌آسا با حضور پولادین و مستحکم خود، زمینه‌های ظهور دولت کریمه مهدوی را محقق گرداند. شرکت در مراسم با شکوه بدرقه آقای شهید ایران (رضوان‌الله‌تعالی علیه) دل‌ها را نورانی خواهد کرد و مردمی که برای وداع آمده‌اند به هدایت معنوی و صبر و سکینه و ثبات نائل خواهند آمد.

حضور مقامات ۴۰ کشور در مراسم وداع و تشییع رهبر شهید انقلاب

ایمان عطارزاده سخنگوی مراسم وداع و تشییع رهبر شهید انقلاب اسلامی طی سخنانی بیان کرد: در مراسم وداع و تشییع، علاوه بر حضور گسترده مردم، شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی، علمی، دینی، دانشگاهی و نخبگان از اقصی نقاط جهان نیز برای ادای احترام به پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب در تهران حضور خواهند داشت. وی افزود: همچنین مقامات ارشد و سران کشورهای مختلف از حدود ۴۰ کشور در این مراسم شرکت می‌کنند و با حضور خود، به مقام والای رهبر شهید ادای احترام خواهند کرد. سخنگوی مراسم وداع و تشییع رهبر شهید انقلاب عنوان کرد: جزئیات مربوط به سطح هیئت‌های اعزامی، کشورهای شرکت‌کننده و اسامی شخصیت‌های حاضر، به‌زودی از سوی مسئولان وزارت امور خارجه اطلاع‌رسانی خواهد شد. عطارزاده در بخش دیگری از سخنان خود گفت: پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب و اعضای خانواده ایشان تاکنون با نهایت تکریم و با رعایت کامل موازین شرعی و قانونی نگهداری شده و هیچ‌گونه تدفین یا خاکسپاری انجام نشده است. شایعات منتشرشده در فضای مجازی، از جمله ادعای خاک‌سپاری پیکر در حرم حضرت معصومه (س)، کذب و فاقد اعتبار است.

پیکر داماد امام شهید جمعه تشییع می‌شود

مراسم تشییع و وداع با پیکر داماد امام مجاهد شهید آیت‌الله‌سید علی خامنه‌ای، شهید مصباح الهدی باقری کئی جمعه ۱۲ تیرماه ۱۴۰۵ با حضور امت شهید پرور پایتخت در میدان دوم شهران برگزار می‌شود. این مراسم از ساعت ۱۷ آغاز می‌شود و مسیر تشییع میدان دوم شهران، بیت آیت‌الله‌آقاری کئی، پل شهید احمد کاشانی خواهد بود. داماد رهبر شهید انقلاب شنبه نهم اسفند ماه در جریان حمله رژیم تروریستی آمریکا به بیت رهبری به شهادت رسید.

سه‌شنبه ۱۶ تیرماه تهران تعطیل است

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت طی سخنانی اعلام کرد: هیئت دولت امروز چهارشنبه دهم تیرماه تصمیم گرفت به منظور تسهیل خروج عزاداران رهبر شهید انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله‌العظمی خاмене‌ای از تهران، روز سه‌شنبه ۱۶ تیرماه این شهر تعطیل شود. وی ادامه داد: براساس این مصوبه، همچنین روز پنجشنبه ۱۸ تیرماه مصادف با آیین خاک‌سپاری آقای شهید ایران در مشهد مقدس، در سراسر کشور عزای عمومی اعلام شده است.

خبر کوتاه

انتقاد متفکر آزاد از خرید غلات از آمریکا

روح‌الله‌متفکر آزاد در برنامه قرارگاه جنگ شبکه افق از اظهارات بعضی از مسئولین نسبت به خرید غلات از آمریکا انتقاد کرد. او در این باره گفت: اخیراً برخی مسئولان درباره واردات ذرت از آمریکا صحبت کردند. اینکه برخی وزرا و یا رئیس کل بانک مرکزی بگویند که هر کشوری به قیمت ارزان تری بدهد ما می‌خریم، این پاسخ به آمریکا نیست. ما دشمنی داریم که هفته آینده می‌خواهیم آثار دشمنی او در به شهادت رساندن امام امت را تشییع کنیم و به خاک بسپاریم. وی افزود: حتی اگر آمریکا بخواهد غلات را به قیمت ارزان تری بدهد باید بگوییم ما هر نیازی هم داشته باشیم حتماً از آمریکا نمی‌خریم. ملت ما ملت بزرگی است. این چه حرفی است که اگر آمریکا محصولات را به قیمت ارزان تر بدهد ما از او خرید می‌کنیم. ما نباید به قاتل شهدای کشورمان پول بدهیم.

انتقاد خضریان از سفر ۴۰ میلیاردی هیأت ایرانی به کره

نماینده تهران در مجلس با انتقاد از اعزام هیئتی ۱۴ نفره به کره جنوبی برای مراسم ثبت جهانی قلعه الموت، گفت: این سفر ۱۵ روزه با هزینه سرسام آور ۴۰ میلیارد تومانی در شرایط اقتصادی و ارزی کنونی کشور توجیهی ندارد. علی خضریان گفت: بر اساس نامه ضمیمه‌ای که به وزارت امور خارجه ارسال شده، قرار است ۱۴ نفر به طور رسمی به این سفر اعزام شوند، در حالی که در موارد مشابه در سال‌های قبل، تنها ۲ یا سه نفر برای چنین مأموریت‌هایی اعزام می‌شدند و اکنون نیازی به حضور این افراد نیست، چرا که فقط تشریفات اداری باقی مانده است؛ حتی ۲ مترجم با توجه به اینکه مترجم رسمی در سفارتخانه‌های ایران در کشورهای دیگر وجود دارد همراه تیم هستند. وی ادامه داد: هزینه بلیت هوایی برای هر نفر از مسیر ترکیه به کره جنوبی بیش از ۱۵۰ میلیون تومان و هر شب اقامت در هتل پنج ستاره حدود ۵۰ میلیون تومان برای هر نفر برآورد شده است که شنیده‌ها حاکی از درخواست بودجه‌ای حدود ۴۰ میلیارد تومانی برای این سفر است. عضو کمیسیون اصل نود مجلس در پایان تأکید کرد: با توجه به شرایط جنگی حاکم بر کشور، مشکلات و تنگناهای اقتصادی موجود، اعزام تشریفاتی و پرهزینه این گروه با ترکیب فعلی و حضور افراد غیرمرتبط به کره جنوبی که گویا به سفر تاپستانی می‌روند، هیچ ضرورت و توجیه قابل قبولی ندارد و دولت و وزارتخانه مربوطه باید در این زمینه پاسخگو باشند.

سردار ابن‌الرضا: قدرت موشکی و پهپادی توسعه خواهد یافت

سردار سید مجید ابن‌الرضا سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: در دیدار با اعضای محترم کمیسیون اقتصادی مجلس ضمن تبیین ابعاد، دستاوردها و ویژگی‌های جنگ رمضان تأکید کردم قدرت دفاعی، موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی ایران، خط قرمز امنیت ملی است؛ قابل مذاکره نبوده و نخواهد بود. سردار ابن‌الرضا با تأکید بر لزوم ارتقاء قدرت دفاعی، موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی ایران، افزود: این توانمندی‌ها با اتکا به ظرفیت‌های بومی توسعه خواهد یافت.

دلنوشته مخبر برای رهبر شهید: تو برای اسلام و ایران سنگ تمام گذاشتی

آرام نمی‌گیرد؟ جانم میان برزخ رفتن و ماندن، در رفت و آمد است؛ نه توان فراموشی دارم و نه تاب تحمل این نبودن را. سال‌ها از خدا خواستم که ولو لحظه‌ای پیش از او مرا ببرد، اما اجابت نشد.

یا ابا عبدالله (ع)، به حق مادرت زهرا (س)، از پروردگار بخواه که به من بگوید چه باید کرد؟ رهبر عزیزمان، آیت‌الله قاسم سید مجتبی‌ی را به خوبی می‌شناسم و یقین دارم باید این روزها زمزمه‌ی دل‌هایمان همان باشد که گفته‌اند: «صد شکر که این آمد و صد



پهراستان

مخبر مشاور رهبر معظم انقلاب و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام نوشت: یا امام حسین (ع)، ما همواره با تربیت شفا گرفته‌ایم و با بار مصیبت، دردهای این دنیا را تاب آورده‌ایم؛ اما چرا داغ فقدانِ نائبِ فرزندت، با هیچ توسلی

به دنبال انتقادات گسترده از سخنان معاون پزشک‌های درباره رهبر انقلاب، معاونت اجرایی ریاست جمهوری توضیحاتی ارائه کرد

توجیهات بدتر از گناه

به دنبال انتقادات گسترده از سخنان اخیر جعفر قائم‌پناه و ادبیات ناشایست او درباره رهبر معظم انقلاب، روابط عمومی معاونت اجرایی رئیس‌جمهور با صدور توضیحاتی، مدعی برداشت تحریف‌آمیز از سخنان محمد جعفر قائم‌پناه درباره فرایند تصمیم‌گیری در شورای عالی امنیت ملی و نسبت آن با جایگاه رهبری شد.

سعید قاسمی
روزنامه‌نگار

روز گذشته روابط عمومی معاونت اجرایی رئیس‌جمهور با صدور توضیحاتی، مدعی برداشت تحریف‌آمیز از سخنان محمد جعفر قائم‌پناه درباره فرایند تصمیم‌گیری در شورای عالی امنیت ملی و نسبت آن با جایگاه رهبری شد.

در بخشی از توضیحات معاونت اجرایی ریاست جمهوری آمده است: هیچ‌یک از جزئیات بیان شده درباره روند تصمیم‌گیری در شورای عالی امنیت ملی، از قبیل نصاب سه‌چهارم یا حضور فرماندهان نظامی، برای نخستین بار از سوی معاون اجرایی رئیس‌جمهور بیان نشده و پیش از این نیز در فضای رسمی رسانه‌ای کشور، از زبان برخی مسئولان محترم یا اصحاب رسانه منتشر شده است. همچنین در هیچ‌بخش از اظهارات قائم‌پناه، برخلاف آنچه بعضاً ادعا شده، رأی مثبت یا منفی هیچ‌یک از اعضا به صورت مشخص و انفرادی اعلام نشده و برخی برداشت‌های رسانه‌ای در این زمینه فاقد دقت و صحت است.

توجیه معاونت اجرایی ریاست جمهوری برای این خطای آشکار غیرقابل قبول است. اینکه معاون رئیس‌جمهور اطلاعات محرمانه را علنی کند و برای توجیه، به سابقه انتشار آن توسط اصحاب رسانه (!) استناد کند، فاقد هرگونه مبنای قانونی و عقلایی است. از سوی دیگر بیان اینکه نکته که اطلاعات بیان شده، قبلاً از زبان برخی مسئولان اعلام شده نیز قابل تأمل است. احتمالاً استناد معاونت اجرایی ریاست جمهوری به خطای پزشک‌های در این مورد بوده است. رئیس دولت چهاردهم گفته بود: «اگر رزمندگان ما توانستند بجنگند ما پشتیبانی کردیم. ما اگر پشتیبانی نمی‌کردیم رزمندگان ما

نمی‌توانستند بجنگند. ۲۰ میلیون بشکه نفتی که برای دولت بود را به هوافضای سپاه دادیم تا بتواند خود را تجهیز کند. یعنی از پول خودمان! ارزی که داشتیم را دادیم به آن‌ها. یعنی اگر ما پشتیبانی نمی‌کردیم رزمندگان ما نمی‌توانستند بجنگند. شما خیال می‌کنید نیروهای مسلح همین‌طوری جنگیدن؟ ما پشتیبانی نکردیم و جنگیدن؟ پزشک‌های همچنین در دفاع از تفاهم‌نامه‌ای که میان او و رئیس‌جمهور ترورست آمریکا امضا شده، برخی جزئیات از جلسه سری شورای عالی امنیت ملی را به صورت علنی پشت‌تربون مطرح کرد و گفت: «ما با وحدت و انسجام تصمیم گرفتیم. فرمانده قرارگاه، ارتش، سپاه و (دبیر) امنیت بود. همه یک حرف زدند و برای چیزی که خواستیم عمل کنیم امضا کنند. همه امضا کردند که این راه باید برویم.»

در خصوص ادبیات قائم‌پناه درباره رهبر معظم انقلاب هم معاونت اجرایی ریاست جمهوری توضیحاتی داده که می‌توان آن را عذر بدتر از گناه دانست. در این بیانیه ادعا شده: قائم‌پناه در سخنان خود، از جایگزینی «جمع‌بندی نهادی» به جای نظر رهبری سخن نگفته، بلکه سازوکار تصمیم‌سازی در جمهوری اسلامی ایران را تشریح کرده است. بدیهی است فصل‌الخطاب بودن رهبری به معنای تعطیلی سازوکارهای قانونی حکمرانی در نظام جمهوری اسلامی نیست.



خرید از آمریکا؛ فرصت یا تله؟

مهرشیر



اظهارات اخیر غلامرضا نوری قزله، وزیر جهاد کشاورزی درباره خرید کالاهای اساسی از شرکت‌های آمریکایی، همزمان با سخنان مقام‌های آمریکایی، بار دیگر پرسش‌های مهمی را درباره راهبرد تجاری و امنیت غذایی ایران مطرح کرده است. وزیر جهاد کشاورزی می‌گوید خرید از آمریکا تنها در صورت تأمین سه شرط «سلامت، کیفیت و قیمت» انجام می‌شود و هیچ الزامی برای این کار وجود ندارد. او معتقد است استفاده از منابع بلوکه‌شده برای تأمین کالاهای اساسی می‌تواند منابع ارزی کشور را حفظ کرده و قدرت چانه‌زنی ایران را در بازار جهانی افزایش دهد. اما همزمان، اظهارات جی دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، و دونالد ترامپ، تصویر دیگری از این ماجرا ارائه می‌دهد. ونس صراحتاً اعلام کرده که در صورت آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده ایران، این منابع به نظارت آمریکا و قطر صرف خرید «سویا، ذرت و گندم آمریکایی» خواهد شد.

ترامپ نیز تأکید کرده که این پول در نهایت به کشاورزان آمریکایی بازمی‌گردد. این موضع نشان می‌دهد واشنگتن این سازوکارانه صرفاً یک توافق تجاری، بلکه ابزاری برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی خود می‌داند. نکته قابل تأمل اینجاست که ایران امروز با گذشته تفاوت‌های مهمی دارد. بر اساس آمارها، حدود ۸۵ درصد امنیت غذایی کشور از تولید داخلی تأمین می‌شود و در برنامه هفتم خوداتکایی ۹۰ درصدی هدف گذاری شده است. علاوه بر این، ایران با ۱۵ کشور همسایه مرز مشترک دارد و به کریدورهای زمینی، ریلی و دریایی متنوعی دسترسی دارد که می‌تواند هزینه واردات را نسبت به مسیرهای دوردست کاهش دهد. کارشناسان نیز بر توسعه مسیرهای ریلی با روسیه، قزاقستان، ترکمنستان، پاکستان و ترکیه به عنوان راهکاری پایدار برای کاهش هزینه‌های تجارت تأکید دارند. البته نمی‌توان انکار کرد که کشور

همچنان در برخی نهادهای دامی وابستگی وارداتی دارد و استفاده از منابع بلوکه‌شده، در صورت حفظ اختیار کامل ایران، می‌تواند بخشی از فشار ارزی را کاهش دهد. اما مسئله اصلی این است که آیا منطقی است دارایی‌های متعلق به ایران، با سازوکاری هزینه‌شود که مقصد و نوع خرید آن را طرف مقابل تعیین کند؟ در شرایطی که ایران با محدودیت منابع ارزی مواجه است، سیاست تجاری باید بر اصل تنوع بخشی به مبادی واردات، تقویت شرکای منطقه‌ای و کاهش وابستگی به هر کشور خاص استوار باشد. اگر خرید از آمریکا صرفاً یکی از گزینه‌های رقابتی بازار باشد، می‌تواند ابزار چانه‌زنی محسوب شود؛ اما اگر به شرط آزادسازی دارایی‌های ایران تبدیل شود، بیش از آنکه یک فرصت اقتصادی باشد، می‌تواند نشانه‌ای از تداوم وابستگی و محدود شدن حق انتخاب ایران در مدیریت منابع ملی باشد.

پژوهشگر فناوری در گفت‌وگو با نوبنیاد مطرح کرد:

پشت پرده اختلال بانکی

یک پژوهشگر فناوری با اشاره به اختلال طولانی در خدمات چهار بانک کشور تأکید کرد که نمی‌توان این وضعیت را صرفاً نتیجه یک حمله سایبری دانست. به گفته او، تداوم بیش از دو هفته‌ای این اختلال نشانه ضعف در مدیریت است و لازم است نهادهای نظارتی، دستگاه‌های امنیتی و قوه قضاییه با ورود جدی به موضوع، ابعاد فنی و مدیریتی این بحران را بررسی و نتیجه را شفاف به افکار عمومی اعلام کنند.



منطقی نیست که فقط به حمله سایبری نسبت داده شود. به نظر من این موضوع تا حدی سیاسی و تا حدی سودجویانه است و باید بیشتر در داخل کشور ریشه‌یابی شود تا اینکه صرفاً به دنبال دشمن خارجی باشیم. این کارشناس تأکید کرد: نهادهای نظارتی، قوه قضاییه و شورای عالی فضای مجازی باید به این موضوع ورود کرده و نتیجه بررسی‌های خود را به مردم اعلام کنند. این کارشناس فناوری اطلاعات یکی از مهم‌ترین مشکلات موجود را نبود اطلاع‌رسانی شفاف دانست و گفت: آژاردنده‌ترین بخش ماجرا نبود اطلاع‌رسانی واحد است. وقتی چنین بحرانی ایجاد می‌شود، حداقل انتظار این است که بانک مرکزی یا مدیران بانک‌های درگیر، روزانه آخرین وضعیت را اطلاع‌رسانی کنند تا مردم از سردگرمی خارج شوند. مشاهدات میدانی نشان می‌دهد برخی شعب این چهار بانک در تهران حتی در بانک‌ها روی مراجعان بسته‌اند؛ اتفاقی که به هیچ وجه قابل قبول نیست.

قجری گفت: چنین اختلالی با این مدت زمان را نمی‌توان صرفاً به یک حمله سایبری تقلیل داد. ممکن است آغاز یک حمله یا اختلال فنی بوده باشد، اما ادامه یافتن آن حتماً دلایل دیگری دارد که باید بررسی شود. نباید این موضوع را به باز شدن اینترنت بین‌الملل تقلیل داد، زیرا مسئله بسیار فراتر از این است. او با اشاره به خسارت‌های اقتصادی ناشی از این اختلال‌ها گفت: روزانه صدها میلیون و حتی میلیارد تومان خسارت به مردم وارد می‌شود. علاوه بر مشکلات روزمره مانند کارت به کارت، پرداخت اقساط یا شهریه، کسبه‌ای که طی ماه‌های گذشته با مشکلات مختلف از جمله اختلال اینترنت و جنگ کنار آمده‌اند، اکنون احتمال خسارت‌های سنگینی شده‌اند و هیچ‌کس نیز پاسخگو نیست. قجری تصریح کرد: همان‌طور که نظام بانکی اگر اقساط مردم یک روز در پرداخت شود جریمه دریافت می‌کند، اکنون که سرمایه مردم برای ۱۰ تا ۱۵ روز در حساب‌های این بانک‌ها بلوکه شده و امکان فعالیت از آنها سلب شده است، آیا نباید خسارت پرداخت کنند؟ بانک‌ها بابت کوچک‌ترین خدمات از مشتری کارمزد دریافت می‌کنند؛ آیا مردم حق مطالبه خسارت ندارند؟

این پژوهشگر فناوری گفت: تداوم این اختلال می‌تواند موجب افزایش ناراضی‌های عمومی شود. در آستانه برگزاری مراسم تشییع رهبر شهید در هفته آینده و در روزهای پرتدد که مراجعات مردم به بانک‌ها افزایش می‌یابد، نبود پول نقد، اختلال در خدمات بانکی و اطلاع‌رسانی نامناسب می‌تواند مشکلات بیشتری ایجاد کند.

آن را حمله گذاشت؛ بلکه این رخداد تنها هشدار برای حملات بزرگ‌تر آینده محسوب می‌شود. اکنون، پس از گذشت بیش از دو هفته، مسئله دیگر صرفاً یک اختلال فنی نیست؛ بلکه به آزمونی برای شفافیت، پاسخگویی و کارآمدی مدیریت زیرساخت‌های حیاتی کشور تبدیل شده است. در چنین شرایطی انتظار می‌رود نهادهای نظارتی، دستگاه‌های امنیتی و مسئولان با بررسی دقیق ابعاد فنی، مدیریتی و احتمالی تعارض منافع، گزارشی مستند و شفاف از چرایی وقوع این بحران و نحوه مدیریت آن به افکار عمومی ارائه کنند.

حمله سایبری هست، اما همه ماجرا نیست

علی قجری، پژوهشگر فناوری، در گفت‌وگو با نوبنیاد با اشاره به اختلال در چهار بانک گفت: این موضوع مختص امروز نیست. در سال ۱۴۰۳ و همچنین در ایام جنگ تحمیلی ۱۲ روزه سال گذشته چنین تجربه‌ای را در شبکه بانکی داشتیم که زیرساخت بانک سپه هدف قرار گرفت. هک و حمله سایبری در همه جای دنیا وجود دارد و امری اجتناب‌ناپذیر است. حملات سایبری انواع مختلفی دارد و آنچه مردم به صورت عامیانه «هک» می‌نامند، تنها بخشی از این تهدیدهاست. وی تأکید کرد: معتمد در این چهار بانک، تأمین امنیت، به‌روزرسانی و ارتقای سامانه‌ها با کاهلی و قصور خود مجموعه‌ها همراه بوده است. اگر قرار بود با یک حمله سایبری بسیار سازمان‌یافته و گسترده مواجه باشیم، باید فشارهای حساس دیگری در کشور نیز هدف قرار می‌گرفتند. برخی مجموعه‌ها با نسبت دادن همه مشکلات به حملات سایبری، مسئولیت خود را نادیده می‌گیرند.

قجری ادامه داد: در سال‌های گذشته نیز بارها شاهد حملات سایبری بوده‌ایم، اما معمولاً طی ۲۴ تا ۴۸ ساعت مشکل برطرف می‌شد. طولانی شدن این وضعیت نشان می‌دهد بخشی از ماجرا به قصور و کوتاهی مدیران بازمی‌گردد. این کارشناس گفت: اینکه بانک‌ها مسئولیت را از خود سلب کنند و صرفاً بگویند چون حمله سایبری رخ داده دیگر امکان ارائه خدمات ندارند، قابل پذیرش نیست. اگر به شعب این بانک‌ها مراجعه کنید، حتی ساده‌ترین خدمات بانکی نیز مختل شده است. به نظر من موضوع فراتر از یک حمله سایبری یا اختلال فنی است.

ضرورت ورود نهادهای نظارتی و قضایی

وی تأکید کرد: طولانی شدن این اختلال اصلاً

نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

بیش از دو هفته از اختلال گسترده در خدمات بانک‌های ملی، صادرات، تجارت و توسعه صادرات می‌گذرد؛ اختلالی که از اینترنت بانک و موبایل بانک تا خودپردازها و بخشی از خدمات کارت‌محور را درگیر کرد و میلیون‌ها مشتری حقیقی و هزاران فعال اقتصادی را با مشکلات جدی روبه‌رو کرده است. در این مدت، بسیاری از مردم در انتقال وجه، پرداخت اقساط، دریافت خدمات بانکی و انجام ساده‌ترین تراکنش‌های روزانه با مشکل مواجه شدند و کسب و کارهای خرد و کلان نیز آسیب دیده‌اند. در روزهای نخست، شورای هماهنگی بانک‌ها، شرکت خدمات انفورماتیک و سپس بانک مرکزی، علت اختلال را «حمله سایبری» اعلام کردند. فرماندهی سایبری کشور نیز اعلام کرد بررسی‌ها وقوع یک حمله سایبری هدفمند به زیرساخت‌های مرتبط را تأیید کرده است. با این حال، ادامه دار شدن اختلال و بازنگشتن خدمات، روایت‌های تازه‌ای را وارد فضای رسانه‌ای کرد. برخی گزارش‌ها و گمانه‌زنی‌ها از احتمال وجود تعارض منافع در مدیریت بحران و نحوه انتخاب شرکت‌های فناوری برای پشتیبانی از بانک‌ها حکایت دارد. در این روایت‌ها، نام شرکت «توسعه سامانه‌های نرم‌افزاری نگین (نوسن)» و سوابق همکاری مدیران آن با برخی مسئولان بانکی، از جمله عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی، مطرح شد. این ادعاها البته با تکذیب بانک مرکزی مواجه شد. این بانک با صدور اطلاعیه‌ای تأکید کرد که بانک‌ها بر اساس مصوبات بالادستی مجاز بوده‌اند از تغییر شرکت‌های مختلف فناوری اطلاعات استفاده کنند و انتخاب شرکت ارائه‌دهنده خدمات بر عهده خود بانک‌هاست؛ همچنین هرگونه ادعا درباره دخالت یا توصیه بانک مرکزی را «فاقد مبنا» خواند.

اما با طولانی شدن اختلال، ابهامات عمیق‌تر شد. محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، در جلسه بررسی حادثه سایبری بانک‌ها با انتقاد صریح از وضعیت موجود گفت: آنچه در بانک‌ها رخ داده، «نتیجه سهل‌انگاری در امنیت سایبری» است و حتی نباید نام



چرا بانک مرکزی اختلال را گردن نمی‌گیرد؟

رامیار قنبری، رئیس انجمن شرکت‌های پرداخت الکترونیک: درباره اختلال اخیر در سامانه‌های چهار بانک، نظرات مختلفی مانند مشکل زیرساخت، مشکل بانکی مرکزی، هک داخلی یا خارجی مطرح است. اما وظیفه بانک مرکزی است که شفاف توضیح دهد و مقصر را معرفی کند؛ متأسفانه تاکنون چنین اقدامی صورت نگرفته و حتی پس از این مدت، برخی سامانه‌ها هنوز مشکل دارند. بانک مرکزی با داشتن رسانه و نظارت بر سامانه‌های بانکی و فینتک‌ها، می‌توانست به راحتی اذعان عمومی را آگاه کند.

تالار شیشه‌ای

برتری خریداران و رشد شاخص بورس

بازار سهام دیروز (چهارشنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۵) را مثبت آغاز کرد و این روند با برتری خریداران تا پایان دادوستدها ادامه داشت. حدود دوسوم از نمادهای معاملاتی (۶۸ درصد مثبت و ۳۲ درصد منفی) با رنگ سبز معاملات را آغاز کردند. در پایان معاملات بازار، تعداد نمادهای مثبت به ۸۵ درصد رسید و فقط ۱۵ درصد بازار سرخ‌پوش بود. با این حال، در هفته جاری شاخص کل بورس ۰.۵ درصد افزایش نسبت به هفته گذشته را ثبت کرد. تداوم برتری تقاضا، نشان می‌دهد که موج خوش‌بینی در تالار شیشه‌ای همچنان پابرجاست و بورس در مسیر صعودی قرار دارد. بررسی داده‌های مربوط به شاخص صنایع فعال بورس نشان می‌دهد در هفته جاری، میانگین بازده شاخص ۴۰ صنعت فعال بازار سهام به ۱.۹۵ درصد رسید و شاخص ۲۶ صنعت بازده مثبت را ثبت کرد. در این میان، صنایع فنی و مهندسی، حمل‌ونقل و انبارداری و محصولات دارویی بیشترین بازدهی هفتگی را به خود اختصاص دادند.

شاخص کل بورس تهران دیروز ۵۹ هزار و ۶۲۹ واحد (۱.۲ درصد) افزایش در ارتفاع ۵ میلیون و ۱۸۷ هزار و ۲۶۴ واحد ایستاد. شاخص هم‌وزن نیز با رشد ۱۹ هزار و ۶۵۱ واحدی (۱.۵ درصد) به یک میلیون و ۳۶۱ هزار و ۳۴۰ واحد رسید. شاخص کل فرابورس نیز با ۶۰۶ واحد رشد (۱.۶ درصد) در محدوده ۳۹ هزار و ۷۷۰ واحد قرار گرفت.

بر اساس داده‌های سازمان بورس، ارزش کل معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی و پایانی (TAL) به ۲۴ هزار و ۴۵۲ میلیارد تومان رسید. مجموع ارزش معاملات بازارهای بورس و فرابورس در محدوده ۵۰ هزار میلیارد تومان بود. ارزش کل بازارهای سهام ایران، شامل بورس، بازار پایه و فرابورس، نیز در محدوده ۱۷ هزار و ۹۲۷ هزار میلیارد تومان قرار گرفت.

روز گذشته بیش از ۴ هزار میلیارد تومان پول حقیقی وارد بازار شد که ۱۷۸۷ میلیارد تومان آن به سهام و مابقی به صندوق‌های درآمد ثابت اختصاص داشت. گروه‌های شیمیایی، چندرشته‌ای صنعتی، دارویی، سرمایه‌گذاری‌ها، معدنی و خودرویی و قطعه‌سازان بیشترین جذب پول خرد را ثبت کردند؛ اما بیشترین خروج پول خرد مربوط به گروه‌های بانکی، فرآورده‌های نفتی، حمل‌ونقلی و رایانه‌ای بود. معاملات صندوق‌های طلا با ورود حدود ۲۵۰ میلیارد تومان پول خرد و نوسان قیمتی ۴ تا ۱ درصد همراه بود. صندوق‌های نقره نیز در محدوده صفر تا یک درصد نوسان داشتند و ۵۲ میلیارد تومان پول جذب کردند.

نوبیاد گزارش بانک مرکزی اروپا را بررسی کرد؛

آغاز نظم پولی چندقطبی و پایان سلطه دلار

بانک مرکزی اروپا در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرده که برای نخستین بار، «طلا» از اوراق خزانه آمریکا پیشی گرفته و به بزرگ‌ترین دارایی ذخیره‌ای بانک‌های مرکزی جهان تبدیل شده است. در پایان سال ۲۰۲۵، سهم طلا از ذخایر رسمی بانک‌های مرکزی به ۲۷ درصد رسید، در حالی که سهم اوراق

خزانه آمریکا به ۲۲ درصد کاهش یافت. این گزارش همچنین از رشد تدریجی نقش یوان چین و کاهش وابستگی کشورها به دلار در پی افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی خبر می‌دهد؛ روندی که می‌تواند یکی از مهم‌ترین تحولات نظام پولی بین‌المللی در دهه‌های اخیر باشد.



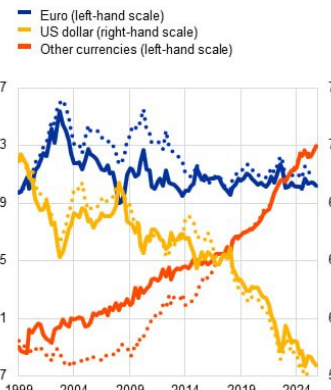
آمان صدرایی

روزنامه‌نگار

نظم پولی جهان بی‌سروصدا در حال تغییر است؛ نه با یک توافق تاریخی و نه با فروپاشی ناگهانی دلار، بلکه با تصمیم‌هایی که بانک‌های مرکزی جهان در اتاق‌های سیاست‌گذاری خود می‌گیرند. سال‌ها بود که اوراق خزانه آمریکا امن‌ترین و مهم‌ترین دارایی ذخیره‌ای جهان به شمار می‌رفت و دلار بی‌رقیب بر نظام مالی بین‌المللی حکومت می‌کرد. اما اکنون نشانه‌های یک جابه‌جایی تدریجی دیده می‌شود؛ جابه‌جایی‌ای که شاید هنوز به معنای پایان سلطه دلار نباشد، اما بی‌تردید از آغاز یک نظم پولی چندقطبی خبر می‌دهد. گزارش تازه بانک مرکزی اروپا تصویری متفاوت از آینده اقتصاد جهان ترسیم می‌کند؛ تصویری که در آن، بانک‌های مرکزی بیش از گذشته به طلا، یوان و سایر دارایی‌های جایگزین روی آورده‌اند و سهم دلار، هرچند همچنان مسلط، اما به آرامی در حال کاهش است.

طلا بر تخت نشست

مهم‌ترین پیام گزارش بانک مرکزی اروپا، تغییر ترکیب ذخایر رسمی جهان است. بر اساس این گزارش، سهم طلا از کل ذخایر رسمی بانک‌های مرکزی تنها طی یک سال از ۲۰ درصد به ۲۷ درصد افزایش یافته است. در مقابل، سهم اوراق خزانه آمریکا از ۲۵ درصد



سهم ارزهای مختلف در ذخایر ارزی جهانی

طلوع نظم پولی جدید

مجموعه این تحولات نشان می‌دهد که جهان به سمت یک نظام پولی چندقطبی حرکت می‌کند؛

حرکت می‌کند؛

نظمی که در آن دلار

همچنان بزرگ‌ترین

ارز ذخیره‌ای باقی

خواهد ماند، اما

سهم آن به تدریج

میان طلا، یورو، یوان

و سایر دارایی‌ها

تقسیم می‌شود.

شاید مهم‌ترین پیام

گزارش بانک مرکزی

اروپا همین باشد:

پایان سلطه دلار

هنوز فرا نرسیده،

اما دوران انحصار

آن نیز مانند گذشته

نیست. بانک‌های

مرکزی جهان با

افزایش ذخایر طلا،

توسعه استفاده از

یوان و متنوع‌سازی

دارایی‌های خود، در

حال آماده شدن

برای جهانی هستند

که در آن امنیت

ذخایر ارزی دیگر

فقط با تکیه بر دلار

تضمین نمی‌شود.

این تغییر، اگرچه آرام

و تدریجی است، اما

می‌تواند در بلندمدت

یکی از مهم‌ترین

دگرگونی‌های نظام

پولی بین‌المللی از

زمان فروپاشی نظام

برتون وودز باشد.

چشم‌انداز

چرا بانک‌های مرکزی به سوی طلا هجوم می‌برند؟

یافته‌های جدیدترین نظرسنجی از نهاد‌های پولی جهان، نشان دهنده یک چرخش استراتژیک و خوش‌بینی گسترده به طلا است. در تکرار الگوهای نظرسنجی‌های پیشین، بانک‌های مرکزی جهان همچنان دیدگاه‌های بسیار مثبتی نسبت به طلا دارند. در این میان، اکثریت قاطع پاسخ‌دهندگان (۸۹ درصد) بر این باورند که ذخایر طلای بانک‌های مرکزی در سطح جهان طی ۱۲ ماه آینده افزایش خواهد یافت. این موج اعتماد، فراتر از یک پیش‌بینی ساده است؛ چرا که امسال رکورد ۴۵ درصد از پاسخ‌دهندگان اعلام کرده‌اند که انتظار دارند ذخایر طلای اختصاصی موسسه خود را نیز در همین بازه زمانی افزایش دهند. در مقابل، اکثریت سایر پاسخ‌دهندگان انتظار تغییر در سطح ذخایر خود را ندارند و تنها ۱ درصد احتمال کاهش ذخایر را پیش‌بینی می‌کنند.

چرا بانک‌های مرکزی در این مقطع حساس، به طلا پناه می‌برند؟ تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که طلا دیگر تنها یک دارایی در سبد دارایی‌ها نیست. عملکرد درخشان طلا در زمان بحران‌های مالی، نقش حیاتی آن در تنوع‌بخشی به پورتفوی (سبد دارایی) و کارکرد آن به عنوان ابزاری برای پوشش ریسک تورم، از اصلی‌ترین محرک‌ها هستند. اما فراتر از اقتصاد کلاسیک، دو عامل ژئوپلیتیک و استراتژیک نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند: طلا اکنون به عنوان یک «پوشش ریسک ژئوپلیتیک» و بخشی از «سیاست‌های تنوع‌بخشی به ذخایر ارزی» شناخته می‌شود که مستقیماً منجر به افزایش تخصیص بودجه به این فلز گرانبها شده است.

یکی از تکان‌دهنده‌ترین یافته‌های این گزارش، نگاه منتقدانه به آینده دلار آمریکا است. اکثریت پاسخ‌دهندگان (۷۴ درصد) پیش‌بینی می‌کنند که میزان نگهداری دلار آمریکا در ذخایر جهانی طی پنج سال آینده، با کاهش متوسط یا حتی قابل توجه مواجه شود. در حالی که انتظار می‌رود سهم سایر ارزهای کلیدی مانند یورو و ین (یوان چین) در این بازه زمانی بدون تغییر باقی بماند، اما در مقابل، روند صعودی و افزایش سهم طلا در ذخایر جهانی با قدرت ادامه خواهد داشت.

با توجه به میل بالای بانک‌های مرکزی به افزایش ذخایر، پرسش کلیدی این است که این خریدها چگونه تأمین مالی می‌شوند؟ داده‌های نظرسنجی نشان می‌دهد که استراتژی‌ها به دو دسته اصلی تقسیم شده‌اند: نیمی از پاسخ‌دهندگان قصد دارند از طریق برنامه‌های خرید داخلی و با استفاده از ارز ملی خود اقدام کنند؛ در حالی که ۳۸ درصد از نهادها مایل‌اند از طریق فروش دارایی‌های ذخیره‌ای فعلی خود، بودجه خرید طلای جدید را تأمین نمایند. این نشان‌دهنده یک جابجایی واقعی در ساختار دارایی‌هاست؛ یعنی بانک‌ها در حال جایگزینی دارایی‌های فعلی با طلا هستند.

در بررسی مکان‌های نگهداری طلا، بانک مرکزی انگلستان با ۵۷ درصد از آراء، همچنان محبوب‌ترین محل برای ذخیره‌سازی است. با این حال، بانک‌های مرکزی به شدت در حال حرکت به سمت «تنوع‌بخشی به مکان‌های ذخیره‌سازی» در موقعیت‌های جغرافیایی مختلف هستند. در این میان، ذخیره‌سازی در داخل کشور ۴۹ درصد در رتبه دوم قرار دارد و بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی (SWIFT) نیز با ۱۶ درصد که نسبت به سال گذشته رشد اندکی داشته، جایگاه خود را حفظ کرده است. در مقابل، تمایل به استفاده از بانک مرکزی سوئیس با کاهش قابل توجهی از ۱۲ درصد در سال ۲۰۲۵ به ۶ درصد در سال جاری رسید.

داده‌ها نشان می‌دهد که ۹ درصد از پاسخ‌دهندگان اعلام کرده‌اند که ذخیره‌سازی داخلی خود را افزایش داده‌اند و ۱۰ درصد نیز در ۱۲ ماه گذشته، محل‌های ذخیره‌سازی خارج از کشور خود را متنوع کرده‌اند؛ این در حالی است که در نظرسنجی سال گذشته، این ارقام به ترتیب تنها ۵ درصد و ۲ درصد بود. این روند صعودی تنها محدود به اقدامات گذشته نیست و در برنامه‌های آتی نیز دیده می‌شود؛ به‌طوری‌که ۷ درصد از پاسخ‌دهندگان قصد دارند ذخیره‌سازی داخلی خود را افزایش دهند و ۹ درصد نیز در نظر دارند طی ۱۲ ماه آینده، محل‌های ذخیره‌سازی خارج از کشور خود را متنوع کنند.

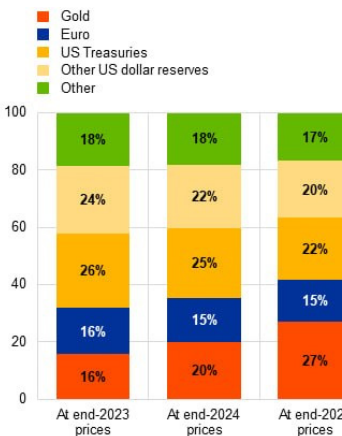
از جهش شدید قیمت طلا، خرید این فلز گران بها را متوقف نکرده‌اند.

کاهش وابستگی جهان به دلار

شاید مهم‌ترین پیام این گزارش، کاهش تدریجی وابستگی جهان به دلار باشد. البته بانک مرکزی اروپا تأکید می‌کند که دلار همچنان مهم‌ترین ارز ذخیره‌ای جهان است و دارایی‌های دلاری هنوز ۴۲ درصد کل ذخایر رسمی جهان را تشکیل می‌دهند. اما روند کلی نشان می‌دهد که سهم دلار نسبت به سال‌های گذشته رو به کاهش است و بانک‌های مرکزی به دنبال متنوع‌تر کردن ذخایر خود هستند. در واقع، جهان هنوز از دلار عبور نکرده، اما دیگر همه تخم‌مرغ‌های خود را در سبد دلار نمی‌گذارد.

رشد بی‌سروصدا یوان چین

گزارش بانک مرکزی اروپا همچنین به رشد نقش بین‌المللی یوان چین اشاره می‌کند. هرچند یوان هنوز فاصله زیادی با دلار و حتی یورو دارد، اما استفاده از آن در تجارت دوجانبه، قراردادهای انرژی، سوآپ‌های ارزی و ذخایر برخی بانک‌های مرکزی رو به افزایش است. به اعتقاد بانک مرکزی اروپا، برخی کشورها همزمان با افزایش خرید طلا، در حال توسعه استفاده از ارزهای جایگزین از جمله یوان هستند تا وابستگی خود را به نظام مالی مبتنی بر دلار کاهش دهند.



سهم دارایی‌های مختلف

در ذخایر رسمی کشورهای اروپا در پایان ۲۰۲۵

بین الملل

اعتراف مهم ونس: هدف از تفاهم با ایران پر کردن ذخایر نفت بود

جی دی ونس معاون ترامپ در گفت و گویی با مایکل نولز در اعترافی مهم در خصوص علت آتش بس امریکا با ایران و اهمیت و نیت واقعی مذاکره از دید امریکا اظهار داشت: ترامپ به ما گفته است از این تفاهم نامه استفاده کنیم تا به نوعی ذخایر (یا موجودی ها) نفت را دوباره پر کنیم و بعد ببینیم اوضاع به کجا می رسد» در پی جنگ امریکا علیه ایران و مسدود شدن تنگه هرمز ذخایر استراتژیک نفت خام ایالات متحده (SPR) با کاهش ۵.۵ میلیون بشکه ای به ۳۲۵.۷ میلیون بشکه رسیده و به پایین ترین سطح خود از ماه مه ۱۹۸۳ تاکنون سقوط کرده بود. بر اساس داده های وزارت انرژی آمریکا، این کاهش در ادامه روندی رخ داد که طی آن واشنگتن در چارچوب سیاست آزادسازی ذخایر برای مدیریت بازار جهانی انرژی و کنترل قیمت سوخت، بخش قابل توجهی از ذخایر خود را روانه بازار کرده است. در مجموع، امریکا متعهد به آزادسازی ۱۷۲ میلیون بشکه نفت از ذخایر استراتژیک شده تا به گفته مقام های این کشور، بخشی از کمبود عرضه در بازار جهانی پس از تنش های ژئوپلیتیکی اخیر جبران شود. هم زمان، گزارش ها نشان می دهد کاهش ذخایر نفتی امریکا تنها به ذخایر استراتژیک محدود نبوده و ذخایر تجاری نیز تحت تأثیر افزایش صادرات و رشد فعالیت پالایشگاهی در هفته های اخیر روند نزولی داشته است. طبق داده های منتشر شده، مجموع ذخایر نفت خام امریکا (شامل ذخایر تجاری و استراتژیک) تا ۱۹ ژوئن به ۷۴۳.۳ میلیون بشکه رسیده که پایین ترین سطح از سال ۱۹۸۴ محسوب می شود؛ این رقم در پی کاهش ۱۱۱.۴ میلیون بشکه ای از زمان آغاز تنش های اخیر ثبت شده است.



آمریکا اعراب را بدل به سپر خود می کند

بدترین متحد

بحث از نظام امنیتی پس از جنگ رمضان و نسبت کشورهای میزبان از پایگاه های آمریکایی و امنیت، بحثی است که بالا گرفته است و بسیاری برآنند که استدلال نامن تر کردن منطقه و کشورهای میزبان از پایگاه های آمریکایی دقیق ترمی نماید تا خرید امنیت از آمریکا. پایگاه میدل ایست مانیتور در گزارشی به این مسئله می پردازد.



امیر برومند

روزنامه نگار

توصیف می کند. این واقعیت ها معمولاً به عنوان نشانه ای از تعهد امریکا مطرح می شوند. اما در یک جنگ منطقه ای، به چیز دیگری تبدیل می شوند: مختصات». میدل ایست مانیتور به روشنی نشان می دهد که معادله ای که امریکا در این منطقه برقرار کرده است، تنها به این معنی است که اعراب بدل به سپر امریکا شوند «دقیقاً به همین دلیل است که عبارت «معماری امنیتی منطقه» بیش از آنچه معمولاً با آن برخورد می شود، شایسته تردید است.

این عبارت در ظاهر، تمیز، فنی و محافظت کننده به نظر می رسد، اما در عمل اغلب به این معناست که کشورهای کوچک تر هزینه و ریسک سیاست های قدرت های بزرگ را بر دوش می کشند. امریکا در سراسر خلیج فارس شبکه ای چندلایه از دسترسی نظامی ایجاد می کند و سپس نام آن را «ثبات» می گذارد. اما اگر این معماری نتواند مانع از آن شود که حملات امریکا به واکنش تلافی جویانه ایران در خاک کشورهای خلیج فارس بینجامد، پس دقیقاً از چه چیزی محافظت می کند؟

به باور این رسانه، پیام ایران در این جنگ به تمام متحدان امریکا روشن بود «پیام ایران، چه واشنگتن آن را بیسندد و چه نه، روشن است: اگر قدرت نظامی امریکا از این منطقه اعمال شود، خود منطقه نیز از پاسخ متقابل در امان نخواهد ماند. این به معنای مطلوب بودن جنگ نیست؛ بلکه به این معناست که تشدید تنش، قابل پیش بینی است. هرچه واشنگتن بیشتر پایگاه های خود در خلیج فارس را به سکوی پرتابی آسان یا ابزار فشار علیه ایران تبدیل کند، همان پایگاه ها کشورهای میزبان را بیش از پیش در معرض فشار متقابل قرار خواهند داد.

هیچ میزان از زبان دیپلماتیک نمی تواند این واقعیت را از میان بردارد.» دقیقاً با همین منطق است که این رسانه به این کشورها توصیه می کند تا حتماً کاهش تنش با تهران را در صدر اولویت های خود قرار دهند.

پنهان نگه داشتن این حقیقت دیگر ناممکن شد. جزئیات، مانند همیشه در جنگ، محل بحث و جدل خواهد بود. مقام ها از رهگیری ها، خسارت محدود و آمادگی نظامی سخن خواهند گفت. واشنگتن تأکید خواهد کرد که آرایش منطقه ای اش خطر را بازمی دارد. دولت های خلیج فارس خواهند کوشید به افکار عمومی خود اطمینان خاطر بدهند. اما معنای سیاسی ماجرا از هم اکنون روشن است. وقتی ایالات متحده با ایران وارد جنگ می شود، نقشه واکنش تلافی جویانه به ایران، تنگه هرمز یا خاک امریکا محدود نمی ماند؛ این نقشه کشورهایی را نیز در بر می گیرد که میزبان سازوپرک قدرت امریکا هستند».

آمریکا دهه ها است که از متحدان عرب خود به بهانه فروش امنیت کلاهبرداری کرده است و در زمان جنگ نه تنها این پول ها و پایگاه ها به کار نیامدند، بلکه تنها بدل به مختصات هدف گیری شدند «این همان معامله امنیتی است که واشنگتن دهه هاست به کشورهای خلیج فارس عرضه کرده است.

در ازای پایگاه ها، فروش تسلیحات، آموزش و حمایت سیاسی، به شرکای عرب وعده ثبات داده می شود. با این حال، حملات اخیر چهره تاریک تر این معامله را نشان می دهد. بحرین میزبان ستاد فرماندهی ناوگان پنجم امریکا و ائتلاف های دریایی به رهبری امریکا است. کویت میزبان هزاران نیروی آمریکایی است، عمدتاً در کمپ عریفجان و پایگاه هوایی علی السالم؛ در همین حال، فرماندهی مرکزی نیروی زمینی امریکا حضور خود در کویت را مرکزی برای عملیات پایگاه های و هماهنگی امنیتی

به باور این رسانه، این که پایگاه های آمریکایی یک کشور را بدل به میدان جنگی غیرانتخابی می کنند، حقیقت تلخی است که تازه آشکار شده است «حقیقت تلخی وجود دارد که پایتخت های خلیج فارس دوست ندارند آن را با صدای بلند بر زبان بیاورند: میزبانی از یک پایگاه آمریکایی فقط به معنای خریدن حفاظت نیست. این کار، جغرافیا را نیز به اجاره می دهد. بندرها، فرودگاه های نظامی و کشورهای کوچک را به نشانی های احتمالی در جنگی تبدیل می کند که شاید خود انتخابش نکرده باشند و به سادگی هم نتوانند آن را مهار کنند».

به باور این رسانه، معادله حضور آمریکایی ها در دیگر کشورها پس از جنگ رمضان بسیار روشن تر شده است «پس از آنکه ایران در واکنش به حملات امریکا، بحرین و کویت را هدف حملات موشکی و پهپادی قرار داد،

یادداشت

درس های جنگ ایران

برای چین

محسن پوردافر
روزنامه نگار

یک تحلیل منتشر شده در رسانه آمریکایی «دفاع وان» تصویری قابل تأمل از نگاه احتمالی محافل نظامی چین به جنگ اخیر امریکا و ایران ارائه می کند: تحلیلی که بیش از آنکه درباره پیروزی یا شکست یک عملیات نظامی باشد، درباره فرسایش تدریجی قدرت امریکا در عرصه جهانی سخن می گوید.

بر اساس این گزارش، پکن جنگ ایران را نه صرفاً یک درگیری منطقه ای، بلکه یک آزمایش بزرگ برای سنجش توان راهبردی ایالات متحده می بیند. جمع بندی اصلی این است که امریکا همچنان در اجرای عملیات های پیچیده نظامی توانمند است، اما در تبدیل این توان تاکتیکی به دستاورد سیاسی و راهبردی با مشکل جدی مواجه است.

به تعبیر این نگاه، واشنگتن بار دیگر گرفتار همان الگوی قدیمی شده است. تصور اینکه تعداد حملات، میزان تجهیزات منهدم شده یا حذف چند فرمانده ارشد می تواند به تنهایی معنای پیروزی داشته باشد. در حالی که جنگ، در نهایت با تحقق اهداف سیاسی سنجیده می شود، نه با آمار پروازها و شمار اهداف منهدم شده.

یکی از نکات مهم مورد توجه تحلیلگران چینی، مسئله هزینه های جنگ است. امریکا در سال های اخیر همواره بر فناوری برتر، تسلیحات دقیق و قدرت ضربه اول تکیه کرده است، اما جنگ های جدید نشان داده اند که طرف مقابل نیز با استفاده از پهپاد های ارزان قیمت، حملات ترکیبی و تاکتیک های نامتعارف می تواند سامانه های گران قیمت دفاعی را تحت فشار قرار دهد.

در این نگاه، مشکل اصلی امریکا فقط هزینه های مالی نیست، بلکه شکاف میان سرعت مصرف و توان جایگزینی است. کشوری که برای مقابله با تجهیزات چند ده هزار دلاری دشمن، موشک های چند میلیون دلاری مصرف می کند، در یک جنگ طولانی ممکن است با معادله ای دشوار روبه رو شود؛ معادله ای که برتری فناوری را به نقطه ضعف اقتصادی تبدیل می کند.

تحلیل مذکور همچنین به مسئله ائتلاف های امریکا اشاره می کند. بر اساس این برداشت، رویکرد یکجانبه گرایانه واشنگتن موجب شده برخی متحدان این کشور درباره میزان تعهد واقعی امریکا به امنیت آنها دچار تردید شوند. از نگاه چین، شکاف میان امریکا و شرکایش می تواند به یک فرصت راهبردی تبدیل شود؛ فرصتی که نه با فشار نظامی، بلکه با دیپلماسی و عملیات اطلاعاتی دنبال خواهد شد.

نکته قابل توجه دیگر، موضوع جنگ شناختی است. این تحلیل اعتراف می کند که جامعه امریکا به دلیل شکاف های سیاسی و رسانه ای داخلی، بیش از گذشته در معرض فرسایش اراده ملی قرار گرفته است. در چنین شرایطی، حتی یک عملیات نظامی موفق نیز می تواند در فضای داخلی امریکا به موضوع اختلاف و مناقشه تبدیل شود.

جنگ ایران و امریکا، فارغ از روایت های رسمی طرفین، یک بار دیگر نشان داد که عصر جنگ های ساده و کوتاه به پایان رسیده است. امروز نبرد اصلی در میدان موشک و پهپاد خلاصه نمی شود بلکه در کارخانه ها، اتاق های تصمیم گیری، شبکه های اطلاعاتی و حتی افکار عمومی کشورها ادامه دارد.

اتحاد پوشالی

آمریکا در سراسر خلیج فارس شبکه ای چندلایه از دسترسی نظامی ایجاد می کند و سپس نام آن را «ثبات» می گذارد. اما اگر این معماری نتواند مانع از آن شود که حملات امریکا به واکنش خلیج فارس بینجامد، پس دقیقاً از چه چیزی محافظت می کند؟

یادداشت

اعتراف تلخ صهیونیست‌ها

امیر شهشهانی
روزنامه‌نگار

از نخستین روزهای جنجال آفرینی اسرائیل درباره «تهدید هسته‌ای ایران» تاکنون، بنیامین نتانیا‌هو همواره اصلی‌ترین بازیگر پروژه‌ای بوده که هدف آن القای نزدیک بودن ایران به ساخت سلاح هسته‌ای است. اما اکنون این روایت، از درون ساختار سیاسی رژیم صهیونیستی با چالشی جدی مواجه شده است. گادی آیزنکوت، رئیس حزب «یشار» و از مهم‌ترین چهره‌های اپوزیسیون نتانیا‌هو، در کنفرانس هرتزلیا در واکنش به ادعای نتانیا‌هو مبنی بر اینکه «دوبار به ایران حمله کردم تا ما را از نابودی به وسیله بمب‌های اتمی که از قبل در اختیارشان بود نجات دهم»، صریحاً گفت: «ایران هیچ بمب هسته‌ای نداشت».

او برای ترساندن افکار عمومی اسرائیل، واقعیت را جعل می‌کند. «این سخنان اعترافی است که نشان می‌دهد حتی در داخل اسرائیل نیز روایت «خطر فوری بمب هسته‌ای ایران» دیگر خریدار سابق را ندارد. وقتی یکی از فرماندهان سابق ارتش و از برجسته‌ترین سیاستمداران اسرائیلی، نخست‌وزیر این رژیم را به جعل واقعیت برای ایجاد هراس عمومی متهم می‌کند، باید پرسید سه دهه تبلیغات رسانه‌ای، عملیات روانی و فضا سازی علیه برنامه هسته‌ای ایران بر چه مبنایی استوار بوده است؟ جالب آنکه این اعتراف، حلقه‌ای از زنجیره شواهدی است که طی ماه‌های اخیر بارها آشکار شده است.

در روزهای ابتدایی جنگ اخیر تحمیلی سوم توله‌ی بگارد مقام ارشد اطلاعاتی سابق دولت ترامپ در جلسه استماع مجلس نمایندگان در برابر پرسشی ساده با سکوت و ناتوانی مواجه شد. جیمی گومز نماینده دموکرات ایالت کالیفرنیا پرسید اگر معیار اقدام نظامی، تهدید قریب‌الوقوع هسته‌ای است، چرا کره شمالی که ده‌ها کلاهک هسته‌ای و موشک‌های قاره‌پیما با توان هدف قرار دادن خاک اصلی آمریکا در اختیار دارد، هدف حمله نیست؛ اما ایران مورد حمله قرار می‌گیرد؟ واقعیت آن است که ادعای «دو هفته تا بمب» به یکی از قدیمی‌ترین دروغ‌های سیاسی غرب و رژیم صهیونیستی تبدیل شده است.

در مقابل، کارنامه ایران نیز قابل تأمل است. جمهوری اسلامی با تعهدی اخلاقی بیش از ۲۳ سال از عدم تغییر دکتترین هسته‌ای و پرهیز از ساخت سلاح هسته‌ای سخن گفته و در عمل نیز چنین مسیری را دنبال کرده است. ایران در این مدت بیش از هر کشور اتمی، هدف شدیدترین تحریم‌های اقتصادی، ترور دانشمندان و فرماندهان، خرابکاری‌های پرهزینه و در نهایت جنگ مستقیم قرار گرفت. اعتراف آیزنکوت، در کنار ناتوانی مقامات آمریکایی در پاسخ به پرسش‌های بدیهی درباره تهدید واقعی هسته‌ای، بار دیگر این واقعیت را آشکار می‌کند که مسئله اصلی آمریکا و رژیم صهیونیستی هرگز «بمب اتم ایران» نبوده است؛ زیرا اگر چنین بود، این ادعا سال‌ها پیش با ارائه سند اثبات می‌شد. آنچه هدف قرار گرفته، قدرت مستقل ایران و توان بازدارندگی آن است؛ و روایت هسته‌ای، بیش از آنکه یک واقعیت امنیتی باشد، ابزاری برای مشروعیت بخشی به سیاست فشار، تحریم و تجاوز بوده است.

واشنگتن تفاهم را
(کاغذ) می‌خواند و
کاغذپاره می‌داند

در حالی که بقایای ادامه روند مذاکرات را به ارزیابی پایبندی آمریکا به تعهداتش منوط کرده و نسبت به آثار منفی تکرار نقض‌ها هشدار داده است، افشای اظهارات مارکو روبیو مبنی بر اینکه تفاهم‌نامه با ایران «فقط یک تکه کاغذ» است، در کنار سخنان اسکات بنست درباره بازگشت‌پذیر بودن امتیازات و نیز تناقض‌گویی‌های دونالد ترامپ، این گزاره را تقویت می‌کند که واشنگتن همچنان دیپلماسی را نه یک تعهد الزام‌آور، بلکه ابزاری تاکتیکی برای مدیریت بحران، خرید زمان و تأمین منافع راهبردی خود می‌داند.

تعریف ونس از برخی مسئولان ایرانی؛ نتیجه مستقیم اشتباهات گفتاری و رفتاری در ماه‌های اخیر است

تمجید متقابل

تعاملات و تعریف‌های متقابل، نگرانی از تکرار ساده‌لوحی برجامی را تقویت کرده است؛ به‌ویژه آنکه برخی نزدیکان قالیباف صراحتاً رویکرد مقاومت را زیر سؤال برده اند. کمتر از پنج ماه پس از شهادت رهبر انقلاب، این روند خطر تغییر ماهیت انقلابی نظام را مطرح می‌کند و ملت آماده واکنش انقلابی است.



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

اعضای تیم رسانه‌ای مذاکره‌کننده، توجه کنیم. او به تازگی با صراحت رویکرد رهبر شهید در مذاکرات را که مبتنی بر «تجربه» دانسته بودند «اشتباه» خوانده است. نگاهی به مواضع مهدی محمدی و مجید شاکری از دیگر اعضای حلقه مشاوران قالیباف، نگرانی‌ها درباره تأثیرگذاران بر فهم سیاسی قالیباف را بیشتر می‌کند. این مواضع، نشان‌دهنده عمق اشتباه نسبت به سیاست داخلی آمریکا، ساختار نظام بین‌الملل و برداشت ناصحیح از آرمان‌های انقلاب اسلامی در حلقه فکری و سیاسی تغذیه‌کننده رئیس تیم مذاکره‌کننده است. سؤال اساسی اینجاست که چرا امروز چنین تصویری از مذاکره‌کنندگان فعلی، به‌ویژه محمدباقر قالیباف، در ذهن سیاستمداران آمریکایی شکل گرفته است؛ تا جایی که طی ماه‌های اخیر، برخلاف رویه همیشگی واشنگتن، بیش از آنکه علیه او موضع بگیرند، از وی با ادبیاتی مثبت یاد کرده‌اند؟ بخشی از پاسخ را باید در مجموعه مواضع و پیام‌هایی جست‌وجو کرد که پس از نهم اسفند از سوی قالیباف و پزشک‌های صادر شد و به جای افزایش هزینه دشمن، این تصور را تقویت کرد که تهران آماده تغییر محاسبات گذشته است.

نگران‌کننده‌تر آنکه مسئولان کشور، با وجود دو تجربه آشکار از نیرنگ آمریکا، همچنان به روایت اختلافات داخلی در واشنگتن دل بسته‌اند. این در حالی است که روزنامه واشنگتن پست در آذر ۱۴۰۴ صراحتاً بسیاری از روایت‌های مربوط به اختلاف میان آمریکا و اسرائیل را بخشی از جنگ روانی برای فریب ایران معرفی کرده بود. بنابراین، تلقی وجود ششکاف راهبردی میان روبیو و ونس، بیش از آنکه نشانه شناخت آمریکا باشد، پرسش‌هایی جدی درباره درک صحیح ساختار تصمیم‌گیری در دولت ترامپ ایجاد می‌کند.

جی‌دی ونس هیچ‌گاه نسبت به ایران چهره‌ای معتدل‌تر از ترامپ یا روبیو نبوده است. مرور مواضع او، همانند دیگر اعضای دولت دوم ترامپ، نشان می‌دهد شرط حضور در این دولت، تبعیت کامل از راهبرد رئیس‌جمهور آمریکا و کنار گذاشتن هرگونه اختلاف جدی با وی بوده است.

مک‌فارلین جدیدی در راه است؟

از سوی دیگر، فضای تعریف و تمجید متقابل

روز سه‌شنبه، دو اتفاق هم‌زمان، فضای سیاسی را وارد فاز جدیدی از ابهام و نگرانی کرد. از یک سو، «جی‌دی ونس»، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، در مصاحبه با شبکه فاکس نیوز، با زبانی طلبکارانه و توأم با تمجید از برخی چهره‌های داخلی، از وجود «افرادی در سیستم ایران» سخن گفت که مسیر ۴۷ ساله را اشتباه دانسته و خواهان «صفحه‌ای نو» هستند. از سوی دیگر، محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس و مذاکره‌کننده ارشد کشورمان، در گفت‌وگو با صداوسیما، ضمن تأیید وجود «اختلاف نظر» میان ونس و مارکو روبیو، تلویحاً این فضا را برای گشایش در مذاکرات مناسب ارزیابی کرد. این تقابل اظهارات، زنگ‌های خطر جدی را نه فقط درباره سرنوشت مذاکرات، که درباره عمق نفوذ محاسبات غلط در تیم مذاکره‌کننده به صدا درآورده است.

دونگرانی اصلی

اتخاذ این موضع از سوی ونس که بی‌تردید مخاطب اصلی آن، محمدباقر قالیباف به عنوان چهره شاخص و مسئول پرونده مذاکره است، از دو جهت حائز اهمیت و نگرانی‌زا است. جهت نخست، احتمال صحت سخنان ونس درباره واقعیت مذاکرات است. اگر سخنان معاون ترامپ مبنی بر تلاش برخی برای تغییر رویه ۴۷ ساله صحت داشته باشد، این به معنای اتخاذ روندی غیرانقلابی توسط برخی مسئولین در کمتر از ۵ ماه از شهادت رهبری انقلاب است. البته احتمال این سناریو کم است؛ چرا که مذاکره‌کنندگان و مسئولان ارشد از جمله قالیباف و پزشک‌های خوبی می‌دانند که ملت مبعوث شده و انقلابی ایران با هر کسی که آرمان انقلاب اسلامی را فراموش کرده و سعی در تغییر شاکله انقلابی نظام داشته باشد، برخوردی قاطع و عمل انقلابی خواهند داشت.

جهت دوم و محتمل‌تر، آن است که سخنان ونس بیش از هر چیز ناشی از «ادراک غلطی» است که خود مذاکره‌کنندگان ایرانی با مواضع ناپجا، تصمیمات اشتباه و ضعف رسانه‌ای فاحش در ذهن آمریکایی‌ها ایجاد کرده‌اند. این تحلیل وقتی قوت می‌گیرد که به اظهارات عجیب «سعید آجرلو»، از

ساده، مثل آقای شهید

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

در سالیان اخیر، دیوارنگاره میدان ولیعصر (عج) تصاویر و طرح‌های ماندگار کم نداشته است؛ از حوادث ملی و مذهبی گرفته تا رخداد‌های سیاسی و بین‌المللی. اما اگر قرار باشد از میان همه این آثار، یکی را تأثیرگذارتر و عمیق‌تر بدانیم، بی‌تردید «آخرین دیدار» در میان برجسته‌ترین آنها قرار می‌گیرد. اثری که نه با شلوغی و اغراق، بلکه با سکوت و سادگی، مخاطب را میخکوب می‌کند و درست به همین دلیل، بیش از بسیاری از طرح‌های پر جزئیات در ذهن می‌ماند.

گاهی یک اثر هنری، نه با انبوهی از رنگ‌ها و نمادها، بلکه با سکوتش سخن می‌گوید. دیوارنگاره «آخرین دیدار» از همین جنس است؛ اثری که برخلاف بسیاری از بیلوردهای مناسبتی، از شلوغی، شعارزدگی و تصویرسازی‌های پرزرق و برق فاصله گرفته و تنها به یک امضا و جمله خیری «آخرین دیدار» بسنده کرده است؛ نمایه‌ای که حالا بیش از هر تصویر دیگری، جای خالی صاحبش را فریاد می‌زند.

قدرت این دیوارنگاره دقیقاً در همین سادگی نهفته است. زمینه‌ای روشن، امضای آبی رنگ رهبر شهید انقلاب، تاریخ و محل آخرین دیدار؛ هیچ تصویر دیگری وجود ندارد، اما همین خلأ، ذهن مخاطب را وادار می‌کند تا تمام خاطرات، سخنرانی‌ها و سال‌های رهبری او را در ذهن خود مرور کند. اینجا خالی بودن بوم، نماد فقدان است؛ فقدانی که هنوز باورش برای بسیاری دشوار است.

شاید مهم‌ترین ویژگی این اثر، هماهنگی کامل فرم و محتوا باشد. رهبر شهید، در تمام سال‌های زندگی خود، ساده‌زیستی را نه در شعار، بلکه در عمل معنا کرد. خانه‌ای معمولی، پرهیز از تشریفات و فاصله گرفتن از جلوه‌های ظاهری، بخشی از سبک زندگی او بود. طبیعی است که یادبود چنین شخصیتی نیز آگرمی خواست صادقانه باشد، نمی‌توانست در قابی پراز جلوه‌های بصری و عناصر تزئینی شکل بگیرد. این بیلورد، همان قدر ساده است که زندگی او ساده بود؛ همان قدر بی‌ادعا که امضایش. انتخاب عنوان «آخرین دیدار» نیز هوشمندانه است. مخاطب با خواندن این عبارت، بی‌اختیار به واپسین حضور رهبر شهید در میان مردم فکر می‌کند؛ دیداری که امروز دیگر به خاطره‌ای تاریخی تبدیل شده است. در این میان، امضا نقش یک اثر انگشت را پیدا می‌کند؛ نشانه‌ای که صاحبش دیگر حضور فیزیکی ندارد، اما رد او همچنان بر تاریخ این سرزمین باقی است.

«آخرین دیدار» بیش از آنکه یک دیوارنگاره باشد، یک مرثیه بصری است؛ مرثیه‌ای که ثابت می‌کند گاهی یک امضا، از هزار تصویر رساتر است و یک صفحه سفید، از هزاران واژه عمیق‌تر سخن می‌گوید. شاید به همین دلیل است که این اثر را باید یکی از موفق‌ترین و ماندگارترین دیوارنگاره‌های سال‌های اخیر میدان ولیعصر (عج) دانست؛ اثری که سادگی را به زبان هنر ترجمه کرده و نشان داده است برای روایت بزرگی یک مرد، گاهی تنها یک امضا کافی است.

برنامه‌های انقلابی رسانه ملی زیر ذره بین

تقدیر ویژه از چند برنامه تلویزیونی

جنگ رمضان نشان داد که تلویزیون بدون هیچ شکی نه تنها همچنان محل ارجاع مردم برای اطلاع از اخبار ریز و درشت جنگ است، بلکه توانایی آن را دارد که با برنامه‌های متنوع از گفت‌وگومحور گرفته تا برنامه‌های آیتمی، آرشیوو حتی فیلم مستند، جبهه حق علیه باطل را به‌درستی معرفی کند. در



مسعود حنificی

روزنامه‌نگار

این اتفاق از نگاه بالاترین مقامات کشور - حتی در این روزهای سرنوشت‌ساز دور نماند و توجه به این برنامه‌ها معنادار است و مورد توجه و تقدیر ویژه این مقام عالی قرار گرفته است. ضمن این که توجه به این برنامه‌ها که عمدتاً منتقد جدی مذاکرات و توافقات جاری هستند، در این برهه تاریخی جای تامل دارد. در ادامه به معرفی دقیق‌تر برنامه‌های مورد تمجید می‌پردازیم.

زمانه

ریشه شکل‌گیری برنامه «زمانه» با اجرای امین سلیمی و محسن آزادی نیاز شبکه دو به یک برنامه ژورنالیستی بوده که بتواند واکنش سریعی به اتفاقات کشور داشته باشد. بر همین اساس، این برنامه با انعطاف‌پذیری بالایش هر شب با حضور مهمانانی از کارشناسان و صاحب‌نظران، به کالبدشکافی یکی از دغدغه‌های مهم جامعه می‌پردازد و شبکه دو سیما را به‌تنهایی در مدار توجه مخاطبان قرار می‌دهد. زمانه در جنگ رمضان بخشی از بار سنگین روایت اجتماعی دفاع مقدس چهل‌روزه را به دوش کشید و توانست با حفظ کیفیت، بینندگانش را افزایش دهد. صراحت کلام زمانه در مطالبه انقلابی خواسته‌های رهبری و مردم قهرمان حاضر در تجمعات شبانه باعث شد تا دغدغه‌های اصلی، اما به حاشیه رفته مردمی بازتاب بیشتری در این برنامه پیدا کند.

نوسان

برنامه تلویزیونی نوسان یکی از شاخص‌ترین و تأثیرگذارترین برنامه‌های سیاسی و بین‌المللی شبکه دو سیما است که به‌طور تخصصی به تحلیل تحولات منطقه‌ای و جهانی، با محوریت محور مقاومت، مسئله فلسطین و تقابل با رژیم صهیونی می‌پردازد. این برنامه که در گروه اجتماعی و اقتصادی شبکه دو تولید می‌شود، به علت رویکرد صریح، مستندنگارانه و واکنش سریع به رویدادهای مسئله‌مند و داغ ژئوپلیتیک، جایگاه ویژه‌ای در میان مخاطبان هدف صداوسیما و حتی فعالان منطقه‌ای پیدا کرده است. یکی از برگ‌های برنده نوسان را باید در شیوه اجرای مجری جوانش، «محمد طادی» جست‌وجو کرد،

به‌طوریکه نمی‌توان از کنار تخصص او در زمینه تحلیل مسائلی تخصصی و همچنین توجهِش بر آراستگی ظاهری چشم‌پوشید؛ مسئله‌ای که عموماً در میان دیگر مجریان دست کم گرفته می‌شود.

به وقت ایران

برنامه به وقت ایران یکی از ویژه‌برنامه‌های تحلیلی، خبری و راهبردی شبکه خبر سینما محسوب می‌شود که در ماه‌های اخیر، به‌ویژه در ایام جنگ رمضان و بحران‌های منطقه‌ای به یکی از پربیننده‌ترین و تأثیرگذارترین برنامه‌های رسانه ملی تبدیل شده است. این برنامه که محصول مشترک سازمان هنری رسانه‌ای اوج و شبکه خبر است، با رویکردی تخصصی به کالبدشکافی جنگ‌های ترکیبی و شناختی علیه ایران اسلامی می‌پردازد. هدف اصلی برنامه، واکنش به ذهن مخاطب در برابر «جنگ شناختی» و عملیات روانی دشمن است و به‌خوبی از پس انجام این مهم برمی‌آید. ترکیب سرباز روح‌الامری، نیما اکبرخانی و وحید خضاب هارمونی خوبی میان گردانندگان این برنامه ایجاد می‌کند، چون هر یک ضمن برخورداری از دغدغه‌های مشخص ملی و انقلابی سواد طرح مسائلی مطرحه را هم دارند و در میان بچه‌های محور مقاومت از سواد رسانه‌ای مطلوبی سود می‌برند.

قرارگاه

شبکه افق یکی از قدرنادیده‌ترین شبکه‌های رسانه ملی است که اگر نیک‌بگریزم متوجه می‌شویم که در بُعد برنامه‌های گفت‌وگومحور حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. یکی از این برنامه‌ها «قرارگاه» است. برنامه «قرارگاه» در شبکه افق یک ساختار واحد و تک‌بعدی ندارد، بلکه مانند یک ستاد فرماندهی واقعی، دارای شاخه‌های تخصصی است که هر کدام قشر یا موضوع خاصی را هدف قرار می‌دهند؛ بر همین اساس قرارگاه جنگ مهم‌ترین و پربیننده‌ترین زیرمجموعه این برنامه است که به‌طور اختصاصی به تحلیل مسائل نظامی، امنیتی، ژئوپلیتیک و سناریوهای جنگی (از جمله تقابل با آمریکا و اسرائیل) می‌پردازد. قرارگاه مردم و قرارگاه فتح نیز دو نمونه دیگر از شاخه‌های اصلی این برنامه محسوب می‌شوند که بر نقش پشتیبانی مردمی و با تکیه بر رویکردهای فلسفی و تمدنی کارشان را به موازات برنامه اصلی پیش می‌برند.

داد. ایمان عطارزاده اعلام کرد تاکنون ۱۴ هزار خبرنگار، عکاس، تصویربردار، مستندساز و انسان‌رسانه در سامانه ویژه خبرنگاران ثبت‌نام کرده‌اند و مراحل نهایی صدور کارت حضور آنان در حال انجام است. به گفته وی، علاوه بر رسانه‌های داخلی، بیش از ۹۰۰ خبرنگار و فعال رسانه‌ای خارجی نیز در این مراسم حضور خواهند داشت که شامل ۳۰۰ خبرنگار رسانه‌های خارج از کشور، ۳۵۰ خبرنگار رسانه‌های خارجی مقیم ایران و حدود ۳۰۰ بلاگر و انسان‌رسانه خارجی هستند. عطارزاده با اشاره به گستردگی این پوشش رسانه‌ای تأکید کرد حجم حضور خبرنگاران و عوامل رسانه‌ای برای پوشش یک رویداد، در تاریخ جمهوری اسلامی ایران بی‌سابقه و منحصر به فرد است و تاکنون هیچ مراسمی با چنین سطحی از مشارکت رسانه‌های داخلی و خارجی برگزار نشده است.



در آستانه برگزاری مراسم وداع، تشییع و تدفین پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب اسلامی و خانواده ایشان، سخنگوی ستاد وداع، تشییع و تدفین از استقبال گسترده فعالان رسانه‌ای برای پوشش این رویداد خبر

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سه‌په‌د قزنی خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline
nobonyadonline.ir

فرهنگ

C U L T U R A L

■ پنجشنبه ۱۱ تیر ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۷۷

یادداشت

استقبال گسترده فیلمسازان

از جشنواره فیلم کوتاه تهران

علی نقدی
روزنامه‌نگار

دبیرخانه چهل و سومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران با اعلام استقبال گسترده فیلمسازان، مهلت ارسال آثار به این رویداد را تا پایان روز ۳۰ تیر ۱۴۰۵ تمدید کرد. این تصمیم با هدف فراهم کردن فرصت بیشتر برای هنرمندانی اتخاذ شده که در مسیر خلق روایت‌های خلاقانه قرار دارند.

جشنواره امسال با شعار «اندیشه ایرانی، روایت جهانی» برگزار می‌شود. تمرکز اصلی این دوره بر حمایت از روایت‌هایی است که با تکیه بر هویت ملی، فرهنگی و زیستی ایران، به دور از کلیشه‌های رایج، جلوه‌های پنهان فرهنگ، آداب و رسوم و زیست‌اقوام را به تصویر می‌کشند. این رویداد که به دبیری بهروز شعیبی، قرار است از ۲۵ تا ۳۰ مهر ۱۴۰۵ در تهران برگزار شود، اهدافی راهبردی از جمله تثبیت جایگاه فیلم کوتاه، شناسایی استعدادهای نورا دنبال می‌کند.

جشنواره در دو بخش اصلی برگزار می‌شود: در بخش اول فیلمسازان می‌توانند آثار داستانی، مستند، تجربی و پویانمایی خود را (با حداکثر زمان ۳۰ دقیقه و تولید شده از فروردین ۱۴۰۴ به بعد) ارسال کنند. جوایز این بخش شامل «برگ زرین» و مبالغ قابل توجهی است که از جمله آن، جایزه ویژه «پویش جنگ رمضان» و حمایت‌های مالی از بخش‌های مختلف خواهد بود. در بخش بین‌المللی برنده جایزه بزرگ این بخش، شانس حضور در مسابقات اسکار را خواهد داشت. از دیگر ویژگی‌های این بخش، رقابت در حوزه «هوش مصنوعی» و جایزه ویژه «افق‌های نوظهور» با تمرکز بر کشورهای جاده ابریشم است.

همچنین در این دوره از جشنواره و در همکاری با انجمن سینمای جوانان، بخش ویژه‌ای با موضوع «کتاب و سینما» (اقتباس) نیز برگزار می‌شود. این بخش با هدف ترویج فرهنگ مطالعه و هنر اقتباس، از فیلم‌ها و فیلمنامه‌هایی که با محوریت صنعت نشر و آثار ادبی ایرانی ساخته شده‌اند، تجلیل می‌کند. نکته قابل توجه، حمایت مالی تا سقف یک میلیارد ریال از فیلمنامه‌های برتر برای تولید حرفه‌ای است.

مهلت ثبت‌نام در سامانه جشنواره تا ساعت ۲۴ روز سه‌شنبه ۳۰ تیر ۱۴۰۵ است و این مهلت دیگر تمدید نخواهد شد.